

گروسی مرزهای وقاحت را جابه جا کرد و دوباره خواستار بازرسی از تأسیسات ایران شد

لاندہ جاسوسی شعبہ اتریش



که سال‌هاست جهان را تهدید می‌کند.

برنامه هسته‌ای اش را ثابت کرده است. اما گروسی با بی‌شرمی، به جای نظارت بر زرادخانه غیرقانونی اسرائیل، ایران را هدف قرار داده و راه برای تجاوزات بعدی باز کرده است. آیا باید با حمله‌کنندگان به تأسیسات هسته‌ای بر خورد شود یا با کشوری که مورد حمله قرار گرفته است؟!۹

— لانه جاسوسی شعبه اتریش

کارنامه‌های موسسه پی‌سی‌جی جزیکه فهرست تبلیغات، اختیارات، جاسوسی و سیاسی کارکنان نیست، طی روزهای گذشته، رسوایی سرقت اسناد محرمانه ایران توسط یکی از بازمانان آژانس، با هویشاری مقامات ایرانی افشا شد. گروهی که ابتدا سعی کرد که با عنصرخواهی شفاف‌های ماجرا جمع کند، زیر فشار ایران مجبور شد اعلام کند که نویسنده اسناد آژانس تلفن‌های آمریکا، ثغف یا ابن رسولی، تحت مدیریت او به لانه جاسوسی برای غرب و اسرائیل تبدیل شده است. همکاری گروهی با یک مرکز تحقیقات هسته‌ای اسرائیل که نتوانی است که هرگز از کارنامه او پاک نمی‌شود، رژیم صهیونیستی که حتی عضو NPT نیست و زرادخانه هسته‌ای غیرقانونی دارد، هیچ‌گاه زیر نظارت آژانس نبوده اما گروهی با همکاری با این رژیم، علیه ایران گزارش‌های قاچاقی می‌نویسد و بهانه‌های حملات غیرقانونی فراهم می‌کند. گزارش‌های مغرضانه گروهی به شورای حکام که از اینهم و اتهامات و بی‌اساس علیه ایران است، بارها به قطعنامه‌های ظالمانه علیه ایران منجر شده و او را برای حملات درصدها صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران باز کرده است. این امر باعث می‌شود که رژیم‌ها به شهادت رسانند، اینکه هیچ‌کدام از گزارش‌های دروغین گروهی است اما حتی یک‌بار جرئت نکرده‌ای که جنایت‌های محکوم شده به حیوان‌آباد بدخواست‌های کلیت‌های برای آگاهی‌تشی و مشروطیت‌بخشی به تجاوزات اسرائیل، نشان داده که هیچ‌کدام به اصول آژانس یا قوانین بین‌المللی ندارند. مصوبات کنفرانس عمومی آژانس صراحتاً می‌گوید حمله به تأسیسات

مهره سوخته

گروسی در این نشست، با گستاخی، اربان به «علم هژوری» که هم در ادعای خود که در بدون بازرسی‌های فوری، «خطر تشدید بحران» وجود دارد. او با اشاره به «پیدایش جنگ‌های صحنه‌ای» بر پایه هسته‌ای ایران، سعی کرد ناموفق جنگ که آژانس نشان داده‌اند، به همان این به اصطلاح تهنیت‌دست است. گفتگویی چارچوب‌چندگانه که آژانس نشان داده‌اند، نشان‌دهنده این است که آژانس برای نمایش‌های سیاسی کفایت‌تبدیل کرده‌است. برخی مقامات آژانس برای اعلام در دادگاه تمام تجهیزات حیاتی پیش از حمله آمریکا تأسیسات خارج شده، اما گروسی با این دهمان تهنیت‌دستی، سعی دارد فضای ابهام ایجاد کند و با بیان اینکه «ایران را تحت فشار قرار دهد. این همان تفکر قدیمی است که گزشت این ابهام و بی‌جهت است. او برای اولین بار اطلاعات دست صهیونیست‌ها به دست و بعد گزشت این به طرفی می‌بگردد! این در حالی است که ایران، به عنوان متعهد در عضو معاهده منع گسترش

آمریکا از شکست‌های خود در جنگ‌هایی که به راه انداخته درس نگرفت و قمار دیگری را در غرب آسیا شروع کرد

باتلاق نه طنز

بعد از حمله نظامی امریکا به طالبان، سبب استهستی افراد و نفوذ و اضعاف آن کشور شد و دولت ترامپ در پیوستی تهدید به تغییر حکومت در ایران کرد. تهدیدی که البته معنای پنهان آن تلاش برای تجزیه ایران است و در سال ۱۴۰۱ حمله‌ای این تلاش دیده شد. تئودور ریس جمهور امریکا نشان داد که برخلاف افراد اولیه امریکا یعنی برادر یکده‌ده‌ها که برای ایران جلویگری می‌کردند، سیاستی ایران به نام امنیتی است. هدف این تهاجم تجزیه‌گرایی بوده و اظهاراتی به دستمایه استهستی ایران صرفاً پنهانی‌ها برای نابودی ایران بوده است. البته سابقه تاریخی نشان می‌دهد که طراحی امریکایی برای ایجاد جنگ و دخالت در امور کشورها همیشه آن طور که کاخ سفید انتظار دارد، جلونی و رد و افتضاح‌هایی همچون خروج از افغانستان در درون بوده و بسیاری از اشتگن بسیار است. نظامی پس از جنگ جهانی دوم، نقش رسته‌ای در سپاه برای درگیری‌ها نظامی برای افغانستان ایفا کرده است. دخالت‌های اغلب با ادعاهایی نظیر دفاع از دموکراسی، جلویگری از گسترش کمونیسم، مبارزه با تروریسم یا ممانعت از دستیابی کشورها به سلاح‌های کشتار جمعی توجیه شده‌اند، در بسیاری از موارد نتایج مورد انتظار کاخ سفید را به دنبال نداشته و حتی به شکست‌های فاحش منجر شده است. خاور میانه، دلیل منابع نفتی، موقعیت استراتژیک و اهمیت ژئوپلیتیکی، از دهه‌های میانی قرن بیستم به یکی از اصلی‌ترین سر حوزه‌های دخالت نظامی امریکا تبدیل شد. این دخالت‌های امریکا به جز جنگ سرد شدت گرفته‌اند، اغلب با ادعاهایی مانند تأمین امنیت منطقه، مبارزه با تروریسم یا جلویگری از دستیابی کشورها به سلاح‌های کشتار جمعی توجیه شده‌اند. با این حال، بسیاری از اقدامات به شکست‌های استراتژیک برای امریکا منجر شده‌اند.

جنگ کره؛ اولین شکست جنگ سرد

یکی از اولین دخالت‌های نظامی آمریکا دران دوران جنگ سرد، جنگ کره بود. آمریکا، تحت پرچم سازمان ملل، به‌ریز اتحافی را برای نابودی کره شمالی بر عهده گرفت و بیش از ۸۰۰ هزار سرباز و هائی این اختلاف را تأمین کرد. با این وجود جنگ بر به‌زیست رسید و پس از سه سال درگیری، با امضای آتش‌بس به پایان رسید، بدون آنکه صلح داخلی برقرار شود. آمریکا توانست هدف اولیه خود، یعنی اتحادش به‌زیر کره تحت یکدولت غیرکمیونیستی را امحق کند. هه‌نهایه انسانی جنگ‌زیر سنگین بود؛ حدود ۳۶۰،۰۰۰ سرباز آمریکائی کشته‌ویش از ۱۰،۰۰۰ نفر زخمی شدند. علاوه بر این، دخالت چین در این درنده‌مدهه محاسبات امضای آمریکا در ازوبایی قدرت این کشور بود که بعدها به‌شوق جایگاه چین به‌عنوان یک قدرت جهانی کمک کرد. جنگ کره همچنین نشان داد که دخالت‌های نظامی آمریکا در جنگ‌های نایبی حتی با برتری نظامی، لزوماً به پیروزی منجر نمی‌شود.

جنگ ویتنام؛ فاجعه‌ای تاریخی

جنگ ویتنام، یکی از برجسته‌ترین صاصدق شکست نظامی آمریکا در دوران جنگ سرد است. این جنگ با هدف تجزیه ویتنام از وی الکوی کره شمالی آغاز شد. آمریکا کابتدا با اعزام مشاوران نظامی و کمک‌های مالی وارد ویتنام شد، اما در ادامه مستقیم‌را با اعزام صدها هزار سرباز و میباران گسترده مناطق شمالی ویتنام، آمریکا توانست نیروهای ویت‌کنگ و وجود برتری نظامی، آمریکا توانست نیروهای ویت‌کنگ و

هسته‌ای یک کشور عضو پارلمان، نقض منشور ملی متفحخت، اما اگر کسی این
قوانین را زیر پا گذاشته و از آن‌ها راه برای برای خوش خدمتی به غرب تبدیل کرده
است. این رسوایی تنها یکی از نمونه‌های بی شمار خیانت گروسی است. استاد
فرقت شده که حاوی اطلاعات حساس در این باره را به دست تاریابی از آن‌ها می‌برد، نه تنها
سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و آمریکا به دست تاریابی از آن‌ها می‌برد، نه تنها
علیه آن‌ها استفاده شود. گروسی که دولت تقاب بی طرفی آن‌ها را کرده، نه تنها
این جاسوسی را سازمان‌دهی کرده، بلکه باسکوتش در برابر افشای حکم‌رانی آن‌ها
با زیرزمین صهیونیستی، عملاً به یک شرک جنت تبدیل شده است.

بازرسان چه می‌کنند؟

گروسی در مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان، ژرژ فشار حقیقت مجبور شد اعتراف کند که هیچ مدرکی را تلاش ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای وجود ندارد. او گفت: «بی‌شک این موضوع برای فردا نیست و شاید برای چند سال نباشد، البته این‌ها زمانه‌زنی است و ما واقعاً نمی‌دانیم.» این اعتراف هر چند با اکران‌شدن دهنده قدرت فرماندهی ریزش و شکست پروژۀ فشار حادثی است اما همین گروسی که حالا زرایش به حقیقت باز رسیده، سازش‌ها را هم می‌پوشد و می‌سپارد. «این برای عدم شفافیت، منتهی که بهانه برای قطعنامه‌ها و ظالمانه و حملات اسرائیل فراهم کرد. ایران بارها این گزارش‌ها را جانبدارانه خواند و هشدار داد که این اسناد، ابزار دست آمریکا و کشورهای اروپایی (انگلیس، فرانسه، آلمان) برای فشار به ایران است. محمد اسلحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در نامه‌ای تند به گروسی نوشت: «حملات اسرائیل ناقض کنونیسیون‌های ژنو، معاهده عدم اشاعه، اساسنامه آژانس و اسنادداردهای امنی است.» او از گروسی خواست این جنایات را محکوم کند. اما پاسخ گروسی، چیزی جز سکوت و ادامه خوش خدمتی به ایران‌بازان نبود. این در حالی است که ایران، با میزبانی از حدود ۱۲۰ بزرگ آژانس، بارها پایبندی خود به برقرارسلم سلاح آمیز هسته‌ای را ثابت کرده، اما گروسی بابت اعتنایی به این واقعیت، به جاسوسی و سرقت ادامه می‌دهد. در این شرایط تندرو این تعداد برابر با عدم

ایران چه لزومی دارد؟

صدای همه درآمد

عسکری در خیانت‌کارانه و مضحک گروسی در هموار کردن مسیر حمله به ایران توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی با موجی از انتقادات داخلی و بین‌المللی مواجه شده است. چندی پیش بود که محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، درستی تندروان را محاکمه او شد و نوشت: «گزارش‌های غیر مسئولانه و مغالطه‌آمیز ازائس، خسارات جبران‌ناپذیری به ایران وارد کرده‌ و گروسی باید در دلیل حمله‌ی در مرگ بی گناهان ایرانی پاسخگو باشد.» علی‌الرسانی، مشاور رهبر انقلاب هم او را فردی «غیرقابل اعتماد» خواند و گفت: «و اعلام کرده ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست، پس چرا آن گزارش‌های دروغین را منتشر کرد؟ روزی به حسابش خواهیم رسید.» محمد البرادعی، مدیرکل پیشین ائس، نیز با انتقاد از سکوت گروسی در برابر تجاوزات اسرائیل، تأکید کرد چنین حملاتی نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. حسین موسویان، دیپلمات ایرانی که در شبکه‌های ائس نوشت: «گروسی گزارش‌های ائس را با شکلی مبهم و مبهم‌گویی تنظیم کرد تا اسرائیل بهانه‌ای برای تجاوز به ایران پیدا کند.» اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز گروسی را به خیانت به NPT متهم کرد و به پرسید: «چند ایرانی بی گناه به خاطر گزارش‌های جانبدارانه او کشته شدند؟»

— جنگ افغانستان؛ طولانی ترین ناکامی آمریکا

جنگ افغانستان که در سال ۲۰۰۱ در پاسخ به حملات اعدای ۱۱ سپتامبر آغاز شد، طولانی ترین جنگ تاریخ آمریکا بود. این جنگ با هدف نابودی القاعده و سرنگونی طالبان شروع شد و آمریکا با حمایت ناتو، طالبان را در همه جا از قدرت برکنار کرد. با این حال، جنایات آمریکا و ایجاد یک دولت وابسته به بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ منجر شد. آمریکا حدود ۲۴۰۰ کشته و بیش از ۳۰۰,۰۰۰ زخمی در این جنگ داشت و هزینه آن بیش از ۲ تریلیون دلار بود. تصاویر هیچ و مرچ در فرودگاه کابل هنگام خروج آمریکا از افغانستان و نشان زخمی شده کامی در دستپایه به اهداف اولیه جنگ. جنگ افغانستان نمونه‌ای آشکار از ناتوانی آمریکا در مدیریت درگیری‌های طولانی مدت است.

دخالت در لیبی؛ هرج و مرج پس از مداخله

در سال ۲۰۱۱، آمریکا با بهره‌گیری از ناآرامی‌های داخلی لیبی و با ادعای حمایت از معترضان علیه رژیم قذافی، عملیات نظامی گسترده‌ای را با حمایت ناتو آغاز کرد. بمباران‌های هوایی که زیرساخت‌های حیاتی لیبی را هدف قرار داد، به سرعت به سقوط رژیم قذافی منجر شد. اما برخلاف وعده‌های فریبنده مبتنی بر برقراری دموکراسی و ثبات، این مخالفت نتیجه‌ای جزویرانی و آشوب به همراه نداشت. لیبی، که پیش از این به عنوان یکی از ثبات‌ترین کشورهای آفریقایی شناخته شده بود، می‌پاشد و از سرگیریابی به میدان نبرد گروه‌های مسلح و قبایل متخاصم تبدیل شد. خلافت‌زدی ناشی از این مداخله، بستری برای ظهور و گسترش گروه‌های تروریستی، به‌ویژه داعش فراهم کرد که از منابع و تسلیحات به‌جامانده از رژیم سابق بهره‌برداری کردند. این گروه‌ها نه تنها امنیت لیبی را به خطر انداختند، بلکه با گسترش فعالیت‌های خود به کشورهای همسایه، منطقه را بی‌ثبات کردند. علاوه بر این، لیبی به یکی از مراکز اصلی قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی به اروپا بدل گشت که بحران مهاجرت در مدیترانه را تشدید کرد. این فاجعه انسانی او را به‌شدت به مداخله‌گری آمریکا منجر کرد، نشان داد که ادعاهای حقوق بشری و واشنگتن تنها پوششی برای پیگیری اهداف استعماری است که البته برای دولت‌های غربی نیز بدون پیامد نخواهد بود. همانطور که کمک به شکل‌گیری داعش دامنه‌های غریبی تروریستی را به غرب اروپا کشاند.

دلایل شکست‌های آمریکا

تکسکتهای نظامی آمریکا در دوران جنگ سرد و خاورمیانه ریشه در دو عامل مشترک دارد. اولین عامل، محاسبات استراتژیک است. شبهه است، در بینام، آمریکا یک بازی ویت-کنگ را دست کم گرفت. در افغانستان، عدم درک فرهنگ و ساختار اجتماعی محلی به ناکامی منجر شد. دومین عامل، فقدان حمایت داخلی است. جنگ و بینام از اعتراضات گسترده داخلی در آمریکا با وجود اوجشده، سومین عامل، هزینههای بالای انسانی و مالی است. جنگهای طولانی مانند افغانستان و عراق، با هزینههای تریلیونی و تلفات سنگین، حمایت عمومی را برای جنگهای مداوم خاورمیانه در داخل آمریکا کاهش داد. چهارمین عامل، ناکامی در مدیریت پس از جنگ است. در عراق، لیبی و افغانستان، فقدان هدفگذاری، بی‌ثباتی و ظهور گروه‌های تکمیل کرد، اقدامات ارتدادیکال و بی‌اعتمادی منجر به شکست‌گیری متفاوت گروههای محلی مانند قواوتی که گروههای عراقی شد و بیش‌تر دیستانت حمایتی آمریکا از اسرائیل را با چالش مواجه کرد.

